

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

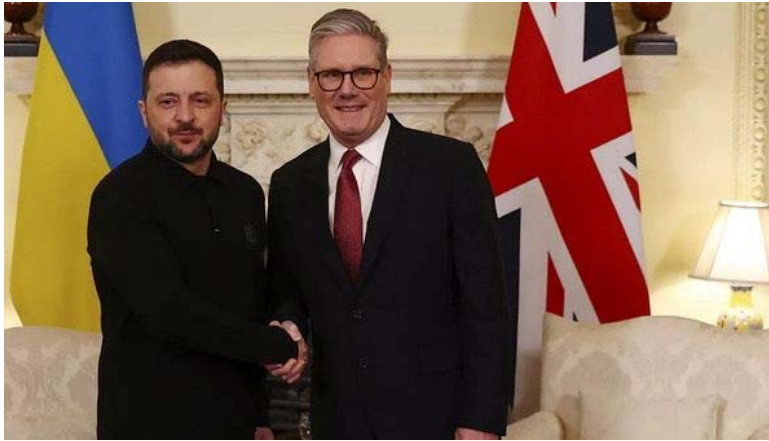
afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: الخاندرو مارکو دل پونت
برگردان: مجله جنوب جهانی
فرستنده: عثمان حیدری
۲۰ مارچ ۲۰۲۵

صنایع نظامی و منافع بریتانیا در اوکراین



برای لندن، حمایت از اوکراین یک اقدام ملی است که فراتر از منافع حزبی و بحران هزینه های زندگی قرار دارد. (ال تاباتو اکونومیستا)

ایالات متحده، بازیگر اصلی درگیری اوکراین، پیشنهاد آتش بسی ۳۰ روزه با کیف در جنگ علیه روسیه را مطرح کرده است. این اقدام که توسط ولودیمیر زلنسکی پذیرفته شده، بیشتر شبیه یک ستراتیژی برای تجهیز مجدد اوکراین با کمکهای نظامی امریکاست تا تلاشی واقعی برای صلح. این توافق شامل تأمین تجهیزات جنگی و اطلاعات نظامی است که نشان می دهد اوکراین به جای پایان جنگ، صرفاً در حال خرید زمان برای تقویت خود است. با این حال، شرایط دقیق این پیمان حتی برای روسیه نیز مبهم باقی مانده است.

به گفته زلنسکی، آتش بس باید شامل عناصری از طرح های امانوئل مکرون، رئیس جمهور فرانسه، در اجلاس رهبران در لندن باشد. از جمله این موارد، توقف حملات راکتی، پهپادی و بمباران زیرساختهای غیرنظامی و همچنین پایان عملیات نظامی در بحیره سیاه برای تضمین امنیت کشتیرانی است. علاوه بر این، از نیروهای روسی خواسته شده پیشروی در جبهه های اوکراینی را متوقف کنند.

با این حال، این پیشنهاد متناقض و حتی غیرمنطقی به نظر می‌رسد، زیرا اوکراین فاقد نیروی هوایی، راکت‌های قوی و ناوگان بحری قابل توجه است. توان استخدام نیروهای جدیدش نیز محدود است، چراکه تنها جوانان ۱۸ ساله را جذب می‌کند و ارتشش روزبه‌روز ضعیفتر می‌شود. سؤال اصلی این است: روسیه از پذیرش این توافق چه سودی می‌برد؟ به جای یک آتش بس واقعی، این طرح تاکتیکی برای طولانی‌تر کردن جنگ و متهم کردن روسیه توسط غرب در صورت رد پیشنهاد است.

درسه‌های گذشته، مانند توافق‌های مینسک، تردیدها درباره‌ی صداقت این مذاکرات را افزایش داده است. آنگلا مرکل، صدراعظم سابق آلمان، با اعتراف به این که توافق‌های مینسک در سالهای ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ برای خرید زمان و تقویت اوکراین استفاده شدند، جنجالی در اروپا ایجاد کرد. این افشاگری یک پرسش کلیدی مطرح می‌کند: اگر روسیه به آتش‌بس جدید تن دهد، آیا همان اشتباه گذشته را تکرار می‌کند؟ از سوی دیگر، اگر امضاء نکند، ممکن است به مسدود کردن روند صلح متهم شود و روایت غرب علیه خود را تقویت کند.

فراتر از جنبه‌های نظامی، این درگیری ابعاد اقتصادی قدرتمندی دارد. در جنوری ۲۰۲۵، کییف توافقنامه‌ای ۱۰ ساله با بریتانیا برای توسعه‌ی مواد معدنی حیاتی امضاء کرد که لندن را به «شریک ترجیحی» او تبدیل می‌کند. اما تنها یک ماه بعد، دونالد ترامپ به زلنسکی پیشنهاد داد که آمریکا نیز به عنوان «جبران» حمایتش در جنگ، به این منابع دسترسی یابد. این تعهد دوگانه، تنش‌هایی بین واشنگتن و لندن ایجاد کرده، چراکه اوکراین نمی‌تواند یک چیز را دو بار بفروشد.

اهمیت مواد معدنی ستراتیژیک انکارناپذیر است. چین تولید ۱۲ از ۱۸ ماده‌ی معدنی را که بریتانیا حیاتی می‌داند، در اختیار دارد و این رقابت جهانی را تشدید کرده است. در گزارش «روندهای ستراتیژیک جهانی ۲۰۲۴»، وزارت دفاع بریتانیا هشدار می‌دهد که این منابع در ژئوپلیتیک اهمیت بیشتری یافته و ممکن است رقابت‌های بین‌المللی جدیدی ایجاد کنند.

مدهاست قدرتهای غربی علاقه‌ی فزاینده‌ی بی‌خاکهای نادر نشان داده‌اند. وزیر تجارت بریتانیا در دولت ریشی سوناک، بین سالهای ۲۰۲۳ تا اواسط ۲۰۲۴ در حداقل ۱۰ جلسه درباره‌ی این موضوع شرکت کرد. از جمله شرکت‌های حاضر در این مذاکرات، غولهای معدنی مانند ریونینتو و آنگلو امریکن، صادرکننده‌ی تسلیحات بی‌ای‌ئی سیستمز، و لابی هوافضای نظامی ایدپاس بودند. اگرچه محوریت این صحبت‌ها بر اوکراین تأکید نشده، اما راتشیلد -گروهی با منافع گسترده در اوکراین- نیز درباره‌ی «زنجیره‌ی تأمین مواد معدنی» با او بحث کرد.

شرکت‌های بزرگ معدنی و تسلیحاتی سهامداران مشترکی دارند: بلک راک، مورگان استنلی، بانک آف امریکا، ونگارد گروپ و فیدلیتی منیجمنت که همگی در اوکراین منافع دارند. حضور آنها در این جنگ بی‌غرض نیست؛ هدف آنها تضمین جایگاهی مسلط در بازسازی آینده و بهره‌برداری از منابع این کشور است.

برای حاکمان بریتانیا، جنگ اوکراین تا حد زیادی جنگی غیرمستقیم علیه روسیه است. علاوه بر این، این جنگ به صنعت تسلیحاتی بریتانیا که از آغاز درگیری رشد انفجاری در فروش داشته، رونق غیرمنتظره‌ی بخشیده است. در دهه‌ی قبل از تهاجم روسیه، شرکت‌های بریتانیایی تنها ۴۵ میلیون دالر تجهیزات نظامی به اوکراین فروختند. از فبروری ۲۰۲۲، این رقم به بیش از ۱,۰۴۰ میلیون دالر افزایش یافت.

تأثیر اقتصادی جنگ به غولهای معدنی مانند بی‌ای‌ئی سیستمز نیز رسیده که ارزش بازاریش از آغاز درگیری تقریباً سه برابر شده است. شرکت‌های دیگری مانند رولزرویس (سازنده‌ی موتور جنگنده و راکتورهای هسته‌ی تحت‌البحری‌ها)، ملرز (تولیدکننده‌ی قطعات هواپیما) و بابکوک اینترنشنال (متخصص خدمات نظامی) نیز ارزش سهامشان دوبرابر شده

است .

علاوه بر این، بخش مالی بشدت در حال پیشبرد این توسعه است. بانکها، صندوقهای سرمایه گذاری و بازنشستگی، تولیدکنندگان سلاح را به عنوان «سرمایه گذارهای اخلاقی» تبلیغ می کنند که جریان پول به صنعت جنگ را تسهیل می کند. در این راستا، ۹۶ نماینده پارلمان بریتانیا و ۶ عضو مجلس اعیان نامه سرگشاده ای را امضاء کرده اند که خواستار لغو قوانین «ضد-دفاعی» محدودکننده سرمایه گذاری در این بخش هستند .

در پشت این شبکه اقتصادی و نظامی، نخبگان مالی بزرگ قرار دارند که نقشی کلیدی در این درگیری ایفا کرده اند. به عنوان مثال، روتشیلد اند کو در ۱۵ سال گذشته حدود ۵۳ میلیارد دلار در اوکراین سرمایه گذاری کرده است. حتی در اوج جنگ نیز این گروه صدها میلیون دلار در اقتصاد اوکراین سرمایه گذاری کرده است. همچنین، این شرکت در بازسازی دهی ۲۰ میلیارد دلاری اوکراین مشاوره داد و نفوذش بر این کشور را تقویت کرد .

همه شرکتها از اقدامات بوریس جانسون، نخست وزیر سابق بریتانیا، استقبال کردند وقتی که او در ۹ اپریل ۲۰۲۲ بدون اطلاع قبلی به کییف رفت. گزارش اوکرائینسکا پرادا اشاره کرد که جانسون دو پیام داشت: «اول این که پوتین جنایتکار جنگی است و باید به او فشار آورد، نه مذاکره» و «دوم این که حتی اگر اوکراین مایل به امضای توافقنامه ها یا تضمینهایی باشد، غرب به صورت جمعی آماده نیست.»

سؤال اینجاست: صلح یا منافع ستراتیژیک؟ همانطور که مشخص است، جنگ اوکراین تنها یک رویارویی نظامی نیست، بلکه نبردی جهانی برای کنترل منابع ستراتیژیک و توازن قوا در جهان است. در حالی که روایتها از صلح سخن می گویند، بازی قدرت بین امریکا و بریتانیا صلح را هرچه دورتر کرده و آن را تابع منافع اقتصادی و ستراتیژیکی می کند که فراتر از درگیری روسیه و اوکراین است.

۱۹ مارچ ۲۰۲۵